



آن چیزی که مردم از ما توقع داشته و دارند و به واسطه آن دنبال ما و شما آمده‌اند و اسلام را ترویج نموده و جمهوری اسلامی را پیا کردند و طاغوت را از میان بردند، کیفیت زندگی اهل علم است. اگر خدای نخواستہ، مردم ببینند که آقایان وضع خودشان را تغییر داده‌اند، عمارت درست کرده‌اند و رفت و آمدهایشان مناسب شأن روحانیت نیست و آن چیزی را که نسبت به روحانیت در دلشان بوده است از دست بدهند، از دست دادن آن همان و از بین رفتن اسلام و جمهوری اسلامی همان.

صحیفه نور، ج ۱۹، ص ۳۱۸



شهید مطهری و ذات جمهوری اسلامی

امیرعلی محقق

بشمارند. . . آیا معنی دموکراسی این است که هر فردی برای خودش مکئی داشته باشد؟ و یا این‌که هیچ فردی هیچ مکئیی نداشته باشد و به هیچ مکئیی گرایش پیدا نکرده و ملتزم و متعهد نباشد؟ و اصول هیچ مکئیی را نپذیرد؟ چنین چیزی نیست. وقتی که می‌گوییم «اسلامی» معنایش این نیست که روحانیون را به عنوان طبقه حاکمه می‌خواهیم بپذیریم. . . حکومت اسلامی و جنبه اسلامی بودن حکومت به حاکمیت عملی یک طبقه ارتباط ندارد، به حاکمیت ایدئولوژی ارتباط دارد، ایدئولوژی‌ای که اکثریت قاطع مردم در گذشته ابراز کرده‌اند که به این ایدئولوژی مومن و معتقدند و گرایش دارند و خواهان آنند و می‌خواهند در کادر آن حرکت کنند و نه یک ایدئولوژی دیگر. . . بنابراین جمهوری اسلامی و اسلامی بودن این جمهوری به هیچ‌وجه بر ضد حاکمیت ملی نیست و به طور کلی با دموکراسی به هیچ‌وجه منافات ندارد و هیچ وقت اصول دموکراسی ایجاب نمی‌کند که هیچ مکئیی بر یک جامعه حاکم نباشد. «

همان‌گونه که از این عبارات دیده می‌شود الگوی معرفتی‌ای که استاد شهید بر اساس آن ماهیت «جمهوری اسلامی» را تئوریزه می‌کند، همان الگوی صدراتی است. در فلسفهٔ سیاسی‌ای که ملاصدرا آن را بسط داده است، جمعی میان مقبولیت و مشروعیت دیده می‌شود، یعنی «حکیم حاکم» هم برخوردار از وجه حقانی و شرعی حکومت است (اسلامیت) هم از وجه مقبولیت و پذیرش ولایت او توسط عامه مردم (جمهوریت) بهره‌مند است. در چنین الگویی وجه حقانی در وجه مقبولیت نه تنها در تراجم یا یکدیگر نیست بلکه حدود و ثغور معرفتی به‌گونه‌ای است که در عین حال که مرزهای معرفتی آنان از هم جدا است، از یک هم‌سازی و هماهنگی روشمند نیز بهره‌مند هستند. این هماهنگی روشمند در آرای حضرت امام در خصوص ولایت فقیه و مفهوم «جمهوری اسلامی» در

تئوری دوران‌ساز و اصل مستحکم عقیدتی ولایت فقیه امری است که حضرت امام (ره) آن را از صدف مهجوریت بیرون کشیدند و به آن صبغه‌ای فلسفی – کلامی بخشیدند. همین اصل جلیله، پس از پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی، رکن بنیادین نظام سیاسی جامعه انقلابی ایران شد و بر اساس آن بود که «جمهوری اسلامی» اقامه گردید. حضرت امام (ره) در بیانی فرمودند که صرف تصور ولایت فقیه موجب تصدیق آن می‌شود. یعنی هنگامی که فرد ضرورت حکومت اسلامی و نقش دین را در ذهن خویش متصور شود بلادرنگ گزاره ولایت فقیه را تصدیق خواهد کرد. عطف به مباحثی که تا به حال طرح شد مشخص است که در اصولگرایی فلسفی و اصولگرایی سیاسی «ولایت فقیه» تا چه حد اهمیت دارد. رکن رکن نظریه سیاسی اصولگرایانه اساساً بر شالوده این مقوله است که استوار می‌شود و متابعت و ملازمت از آن است که فکر سیاسی اصولگرایانه را امتداد نظری و عملی می‌دهد. در این باب شهید مطهری ادله معرفتی بسیاری را اقامه کرده‌اند. برخی در اوایل انقلاب این شبهه را وارد می‌کردند که اصل ولایت فقیه و اساساً اسلامی بودن این جمهوری، ناقض حکومت مردم بر مردم و به معنای حکومت طبقه روحانی است. پاسخ شهید مطهری به این شبهات در تاریخ (۱۳۵۸/۱/۱۰) و در یک گفت‌وگوی تلویزیونی که در آستانه فرزندوم برای جمهوری اسلامی ارائه شده این بود:

«مسئله جمهوری مربوط به شکل حکومت است که البته مستلزم نوعی دموکراسی است. یعنی مردم حق حاکمیت دارند، حق حاکمیت به معنی این است که مردم حق دارند که سرنوشت خودشان را خودشان در دست بگیرند و این ملازم با این نیست که مردم خودشان را از گرایش به یک مکتب و ایدئولوژی و از التزام و تعهد به یک مکتب معاف



انحصار انقلاب ایران بود، اما در ایران رادیو و تلویزیون در دست نظامیان و ساواک بود و با تدابیر ویژه پلیسی که آمریکا معین کرده بود، اداره می‌شد؛ شدت سانسور و کنترل بر رادیو و تلویزیون باعث شد که کارکنان این دو رسانه تا ۲۲ بهمن، ۹۹ روز در اعتصاب به سر بیزند. در مطبوعات هم وضع بهتر از این نبود و شدت سانسور باعث اعتصاب خبرنگاران و روزنامه‌نگاران شده بود و در این عطش خبری حضرت امام دستوری را اینگونه صادر فرمودند: «بسمه تعالی از متصدیان مطبوعات محترم که زیر بار سانسور دیکتاتوری نرفتند تشکر می‌کنم و اکنون که دولت غیرقانونی جدید مدعی برداشت سانسور است آقایان به کار ادامه دهند و از اعتصاب بیرون بیایند تا

سردار جزایری در گفت‌وگو با صبح صادق تشریح کرد

تفاوت ماهوی تربیت نیروهای نظامی قبل و بعد از انقلاب

قبل از انقلاب نیروهای مسلح حافظ حکومت طاغوت بودند اما بعد از انقلاب نیروهای مسلح از مرزهای حکومت اسلامی دفاع می‌کنند و از جهتی دیگر نگاه خدامحورانه از شاخصه‌های اصلی تفاوت نیروهای مسلح قبل و بعد از انقلاب اسلامی است.

سردار سیدمسعود جزایری در گفت وگو با صبح صادق ضمن بیان ویژگی‌های نیروهای مسلح قبل از انقلاب گفت :
نیروهای مسلح در آن زمان بازوی نیروهای نظامی کشورهای سلطه‌گر بوده و در اختیار آنها بودند و به جای صیانت از حریم و مرزهای کشور به کمک نیروهای سلطه‌گر در منطقه می‌پرداختند و به طور کلی استقلال نداشتند و این امر حتی در حوزه ساخت تجهیزات، استفاده از جنگ افزارهای نوین و تصمیم‌گیری‌های نظامی هم وجود داشت.

معاون فرهنگی و تبلیغات دفاعی ستاد کل نیروهای مسلح

آن چیزی که مردم از ما توقع داشته و دارند و به واسطه آن دنبال ما و شما آمده‌اند و اسلام را ترویج نموده و جمهوری اسلامی را پیا کردند و طاغوت را از میان بردند، کیفیت زندگی اهل علم است. اگر خدای نخواستہ، مردم ببینند که آقایان وضع خودشان را تغییر داده‌اند، عمارت درست کرده‌اند و رفت و آمدهایشان مناسب شأن روحانیت نیست و آن چیزی را که نسبت به روحانیت در دلشان بوده است از دست بدهند، از دست دادن آن همان و از بین رفتن اسلام و جمهوری اسلامی همان.

صحیفه نور، ج ۱۹، ص ۳۱۸

فلسفی، یک تصرف عقیدتی و ایدئولوژیک را در مبادی تفکر مدرن انجام می‌دهند که خود فصل مهمی از اندیشه‌های اصولگرایانه را شامل می‌شود. این تصرف بدین‌سان حادث می‌شود که مفهومی مانند دموکراسی به‌عنوان یک «روش» و «ظرف تحقق» نمود می‌یابد و ارزش اسلامی ماهیت و وجود آن‌را پرورش می‌دهد، بدین معنا که در این‌جا، دموکراسی از حیث روشی است که به کار می‌آید و بار ارزشی آن اسلام است. امر واضح در این است که در این روش و منش اصولگرایانه، «اصول اسلامی» مانند شاکله و محتوا نمود می‌یابد و روش تحقق آن با معیارهای دموکراتیک پی‌گرفته می‌شود. این امر خود نمونهٔ اعلامی یک «تجدد بومی» است که ابتناء بر مبادی تفکر اسلامی دارد و از بطن دیانت برون می‌تراود. شهید مطهری در همان‌حال برای آن‌که مرزهای میان «دموکراسی» و «دموکراسی غربی» مشخص شود، به سامان دادن این بحث می‌پردازد که در اسلام چگونه فقیه آگاه به شرایط زمان و مکان، زمام امور را در دست می‌گیرد تا بر اجرای ایدئولوژی نظارت کند. استاد، با ظرافت خاصی هر گونه تلقی مونارشیک و سلطه‌مآبانه را از اصل جلیله ولایت فقیه به دور می‌داند و شرح مستوفای این امر را بازگو می‌کنند. بنابراین در این تفکر که اصل اساسی «ولایت فقیه» است کسی که التزام به اصول آن دارد و اصولگرا خوانده می‌شود، هرگز نباید از نظارت فقیه و ولایت او سر باز زند و مرتباً باید ولی فقیه را در نظارت بر اجرا شدن صحیح ایدئولوژی یاری رساند. ربط تئوریکی که شهید مطهری میان دموکراسی اسلامی با به بیان دقیق‌تر و علمی‌تر مردم‌سالاری دینی و ولایت فقیه برقرار می‌کنند، جدا از آن‌که به نوعی واجد همان خصایص بنیادین فلسفه صدراتی است، به نوعی تبیین این امر است که «ولایت فقیه» امری است که ربط مستقیمی با «هویت اسلامی» جامعه ایرانی دارد، یعنی مردم اسلام را به‌عنوان

بازخوانی فعالیت رسانه‌ای در آستانه انقلاب اسلامی

روزنامه‌ها هم پرواز می‌کردند...

فرهاد مهدوی

و در حاشیه آن نوشت: وقتی لحظه سقوط می‌رسد. . . اینجا میدان توپخانه است. سیل جمعیت نیروی خود را به کار برده و حالا مجسمه سنگین پلدر شاه را در حالیکه سوار اسب به آستانه سقوط رسیده است لحظه‌ای بعد اسب و اسب سوار می‌افتند.

در این روزها محورهای عمده جریان‌های رسانه‌ای عناوین زیر بود:

- درخواست‌های امام خمینی برای گسترش تظاهرات‌ها
- خواسته‌های مردم در مورد محاکمه و تیرباران سران ساواک
- تصاویر و شرح زندگی شهیدا و ترویج روحیه شهادت طلبی
- اعلام اصول جمهوری اسلامی
- عدم پاسخ‌گویی امام به درخواست‌های آمریکا
- شمارش معکوس برای ورود امام به ایران

شمارش معکوس مطبوعات برای ورود حضرت امام و ایجاد حالت انتظار و انتشار نگرانی‌ها در مورد احتمال کودتا، رپوده شدن هواپیمای امام، محاصره نظامی فرودگاه و . . . باعث شور و هیجان بیشتر مردم سراسر کشور و حضور آنان در تهران برای محافظت از امام شده بود تا اینکه در روز ۱۲ بهمن روزی که حضرت امام پس از ۱۴ سال فراغت از وطن در حالی که اشک در چشمانش حلقه زده بود یا بر خاک ایران نهاد. روزنامه اطلاعات همان روز تیت‌ر ز «امام آمد» این روزنامه هم پر در آورد و بر دستان مردم پرواز

گزارش‌ها را به گونه‌ای درج می‌کردند که کمتر روزنامه‌های چند ساعت انتظار مشتری را می‌کشید و گاه‌گاه این روزنامه‌ها به چاپ دوم و سوم هم می‌رسید. شادترین روزهای که روزنامه‌ها بر دستان مردم پرواز کردند روز ۲۶ دی و ۱۲ بهمن بود. جالب اینکه در روز ۲۶ دی ماه دو روزنامه اصلی کشور هر دو یک تیت‌ر انتخاب کرده بودند؛ «شاه رفت» این درشت‌ترین تیت‌ر این روزنامه‌ها بود. روزنامه اطلاعات یک روز پس از این واقعه چنین نوشت: «از صبح دیروز حالت انتظار و هیجان در شهر غبار گرفته تهران به چشم می‌خورد این انتظار ساعت دو بعد ازظهر به سر آمد و مردم خیردار شدند که شاه رفت و عنوان درشت روزنامه اطلاعات و درشت‌ترین تیت‌ر تاریخ این روزنامه همین بود «شاه رفت». غریو شادی از خیابان‌های تهران برخاست. در خیابان خیام مقابل موسسه اطلاعات جمعیت موج می‌زد و روزنامه در هوا به پرواز در می‌آمد و در میان دست‌های پر قدرت و منتظر خلق جای می‌گرفت. . .

خبرگزاری فرانسه ۲۶ دی ماه نیز شادی حضرت امام را در هنگام شنیدن این خبر اینگونه به تصویر می‌کشد؛ حضرت امام خمینی پس از شنیدن خبر خارج شدن شاه از ایران گفتند: الله اکبر و اضافه کردند عزیمت شاه نخستین مرحله پیروزی ما به سوی پایان روزگارتوری ۵۰ ساله است.

روزنامه کیهان در ۲۷ دی ماه تیت‌ر خود را اینگونه برگزید : امام خمینی» پیروزی هنوز کامل نیست». سپس عکس صفحه اول خود را به پایین کشیده شدن مجسمه‌های رضاخان و شاه اختصاص داد



از انقلاب عامل دست استکبار باشیم. عامل امنیت پایدار شویم و به عنوان یک قدرت منطقه‌ای و فرا منطقه‌ای ثبات را در منطقه برقرار کنیم.

وی با اشاره به دکترین فعلی نیروهای مسلح جمهوری اسلامی که دفاع همه‌جانبه در برابر هر نوع تهدید و هر قدرت مهاجم است، افزود : دکترین‌های نظامی رژیم سابق مبتنی بر منافع دولت‌های استکباری و متأسفانه رژیم صهیونیستی بود و رژیم پهلوی در واقع یکی از حافظان منافع رژیم صهیونیستی محسوب می‌شد.

جزایری ضمن بر شمردن پیشرفت‌های فناوری‌مدارانه در حوزه نیروهای مسلح با اشاره به اینکه جنگ‌افزار و تسلیحات و ادوات در درجه دوم اهمیت می‌باشد، به بحث معنویت در نیروهای مسلح در دوران بعد از انقلاب اشاره کرد و افزود : رژیم پهلوی به تبع سایر رژیم‌های حاکم و رژیم‌های سلطه، رژیم‌ی



ایدئولوژی و هویت خود قائل شده‌اند و در یک وجه ایجابی خواهان رخ عیان کردن مشخصات آن در متن نیت روزمره خود و شکل و نما دادن آن به شئون گوناگون جامعه خود هستند. بنابراین ادله اجتماعی که بر ضرورت وجود اصل ولایت فقیه می‌توان ارائه کرد، برآمده از همین امر است. نکته دیگر آن است که«ولایت فقیه» ربط مستقیمی با «حق‌مداری اصولگرایانه» دارد و اگر در رأس حکومت در یک جامعه اسلامی ایدئولوگ آگاه و عادل چتر نظارت خود را نگستراند، «مصلحت‌سنجی‌هایی» رخ می‌نمایند که تطابق با ذات معنوی که جامعه اسلامی باید به آن دست‌یابند ندارد، به بیان دقیق‌تر، در نبود ولی فقیه ممکن است تفسیرهایی از اسلام نضج‌گیرد که معطوف به مصلحت‌سنجی‌های بی‌قاعده‌ای باشد که در آن شرایط معنوی‌ای که در تمسک به «مصلحت» در گستره مبانی اسلامی وجود دارد، محلی از اعراب ندارد. یعنی ممکن است رئیس دولت یا هر صاحب منصب دیگری احکامی از اسلام را با ادله مصلحت تعطیل کند. این مصلحت‌سنجی بر این امر دلالت می‌یابد که فی‌المثل، حکم اسلام با شرایط زمانه نمی‌خواند. در حالی که ادله مصلحت در رویکرد اسلامی این است که فلان حکم «حق» است، اما باید بستر اجرای آن حق آماده شود. اما در رویکردهای مسئله‌دار، حق بودن حکم اسلام زیر سوال می‌رود. ولی فقیه در این‌جا تکلیفش این است که شرایط مصلحت را در سطوح کلان تبیین کند و اجازه دست‌اندازی به غیر متخصصان را ندهد. این امر، در سطوح کلان حراست از حقوق و تکالیف مردم را نیز به ارمغان می‌آورد و فقیه در پرتو نظارت و حراست خود از اصول موضوعه اسلام، حق شهروندی و مدنی مردم را نیز که ابتناء بر مبادی فکر اسلامی دارد، پاس می‌دارد. بنابراین در تفکر اصولگرایانه، این امور ویژگی مهم و برجسته‌ای را شامل می‌شود.

کرد.

مسیر استقبال از حضرت امام ۳۳ کیلومتر بود و در شهرستان‌ها هم عده‌ای از مردم بنا به وعده دولت در پخش مستقیم برنامه‌های ورود امام در منازل خود ماندند، اما با قطع ناگهانی پخش مستقیم تلویزیون در شهرها مردم تلویزیون‌ها را شکستند و به خیابان‌ها ریختند و بختیار هم شتاب‌زده و از روی انفعال اعلام کرد که من دستور قطع پخش تلویزیونی را ندادم!

انقلاب پیروز شد، اما بسیاری از رسانه‌ها و روزنامه‌ها بر خلاف جریان انقلاب و امام فعالیت می‌کردند که با توجه به نقش محوری و مرکزی حضرت امام در تبیین اوضاع سیاسی این رسانه‌ها در رسیدن به اهداف خود ناکام ماندند و چنین رسانه‌هایی هیچ‌گاه بر دستان مردم به پرواز در نیامدند.



روی خط خاطره

آیت‌الله مسعودی خمینی:

روز ۲۱ بهمن‌ماه ۵۷ به امام در مدرسه رفاه خبر دادند که ساعات حکومت نظامی بیشتر شده و کسی حق ندارد از ساعت ۵ بعد از ظهر به بعد در خیابان‌ها دیده شود. آقایانی همچون شهید مطهری و شهید بهشتی که در جلسات حاضر می‌شدند، گمان می‌کردند که وقتی این مسئله به امام گفته شود، امام دستور می‌دهند که کسی از منزل خارج نشود، حتی خود آنان بر این باور بودند که این کار بیشتر به صلاح مردم و انقلاب است. اما امام به عکس آنچه انتظار می‌رفت فرمان دادند مردم به خیابان‌ها بریزند. به یاد دارم یکی از بزرگان با ناراحتی می‌گفت: «آقا! مردم کشته می‌شوند!» امام فرمود: «اگر همه مسلمان‌ها کشته شوند، تا اسلام باقی بماند باید این کار انجام شود.»

وقتی فرمان امام مبنی بر لزوم ریختن مردم به خیابان‌ها منتشر شد، جوانان و مردم غیور ما به خیابان‌ها ریختند و ساعتی بعد خبر رسید که مردم به پادگان‌ها حمله کرده‌اند و مشغول تخلیه سلاح‌ها هستند. شاهد بودم که امام در کمال خونسردی با قضایا برخورد می‌کردند و هیچ عکس‌العمل خاصی که نشان دهد ایشان در حال تعادل نیستند، از ایشان سر نمی‌زد. وقتی هم که خبر رسید که پادگان‌ها به تسخیر مردم درآمد، فرمودند: «چه زود!»